



توان دفاعی کنونی ایران اسلامی برآیند دوره‌ای ۴۰۰ ساله از تاریخ پرفراز و نشیب، گاه خشن و خونین و گاهی متناقض و حاصل تجربه و رویارویی ایران با دنیای جدید پس از تحول مغرب‌زمین است. اصولاً نمی‌توان بدون رویکرد به تاریخ و علل تاریخی پدیده‌ها به جوابی درخور، مناسب و عمیق برای مسائل پیشرو رسید. ۲۰۰ سال پیش اروپا شاهد انقلابی در نوع نگرش خود به عالم و آدم بود و همین تغییر نگاه به آramی به تفکر غالب و حاکم در مغرب‌زمین و سپس تمام جهان تبدیل می‌شود و مبدأ و علت بسیاری از مسائل فراز می‌گیرد. دین به حاشیه رانده می‌شود و با ظهور مذهب پروتستان جامعه مسیحی اروپا به نوعی به فکر ساخت بهشتی زمینی می‌افتد. جلوه ظاهری این تفکر دو ساختن جهان با تکیه بر علوم فنی و تکنیکی است، دنیایی که تمام نیازهای انسان را رفع و او را از هر قید و بندی رها کند. انقلاب صنعتی انگلیس و سپس انقلاب فرانسه در واقع تجدد یا همان مدرنیته را که روح حاکم این تمدن جدید است بیشتر قوام داد و دنیای امروز، آینده همان گذشته تاریخی اروپای پس از نوآزی دینی است. این تمدن جدید مرزهای تفکری و جغرافیایی را می‌پیماید و به مشرق‌زمین نیز می‌رسد. از برخورد کشورهای دیگر می‌گذریم، هدف ما در این نگاه‌شسته کوتاه‌نوع رویکرد و واکنش ایران به این تغییر اساسی و تأثیر آن بر مسائل نظامی و دفاعی است. تجدد غربی ورای روح حاکم بر آن که انسان‌گرایی، سلطه و جدایی دین از سیاست است جلوه ظاهری خیره‌کننده‌ای یعنی تجدد و پیشرفت تکنیکی دارد. متفکران ایرانی از همان ابتدای رویارویی با این تفکر جدید بیشتر تحت تأثیر ظاهر آن قرار گرفته و به تفسیری سطحی و از سر تعجیل از آن می‌پردازند و تا جایی ادامه می‌دهند که به جای تامل، تقلید را تنها راه درمان عقب‌ماندگی علمی ایران می‌انگارند. این طبقه از متفکران، در همیشه تاریخی خود در دام گیرودار تناقضات فراوان و گاه خودزنی‌های عجیب هستند و با توجیحاتی، ابایی از خیانت به کشور هم ندارند. در دوران صفویه که رنسانس در اروپا شکل می‌گیرد و مغرب‌زمین در حال خیز برای توسعه تکنیکی است، ایران درگیر جنگ و اشغال همسایگان و دشمنان خارجی است و بخش‌هایی از کشور به استعمار اجانب درآمده است. آن چیزی که در این برهه برای ما محل توجه است تلاش حاکمان ایران برای حفظ استقلال و آزادی از دست بیگانگان است. جنگ‌های خونینی شکل می‌گیرد و در عین رشادت ایرانیان، نتایج مطلوب حاصل نمی‌شود. مهم‌ترین این جنگ‌ها برای شاهان صفوی نبرد با عثمانی است که ارتش عثمانی با تکیه بسر توپخانه و

پیشرفت‌ها با انقلابی در نوع ساخت حکومت‌ها هم همراه بوده؛ اروپایی‌ها حکومت‌های سلطنتی را واژگون و نوع جدیدی از حکومت‌های مردمی را بر پایه دموکراسی پایه می‌گذارند که برای شاهنشاهی خطری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. «امیرکبیر» در تاریخ ایران از جمله سیاسیون است که تلاش می‌کند این شکاف را جبران کند، وی دسته‌ای نوجوان و جوان ایرانی را به اروپا گسیل می‌دارد تا فناوری و علوم مهندسی و نظامی را فراگرفته و پس از مراجعت، ایرانی نو بسازند. عسده زیادی از همین فرنگرفتگان به علوم انسانی غربی جذب و با کنار نهبان تفکر بومی خود در علوم انسانی غروب گرفته و دلباخته آن می‌شوند. اما همین مهندسان اروپارفته نیز در نهایت نتوانستند مشکل را حل کنند.امیرکبیر با تاسیس دارالفنون تلاش می‌کند این‌بار اشتباه صفویه را جبران و فضای علمی لازم را فراهم کند اما به تیغ همان طبقه‌غریزده خودبخت‌ها به شهادت می‌رسد و دارالفنون نیز در گذر زمان به مدرسه‌ای عادی تبدیل می‌شود. زمان، تجربه تلخ شکست‌های صفویان را به قاجارهای نیز می‌چشاند و با تجاوز روسیه تزاری مجدداً سپاه ایران مضمحل می‌شود، شمال کشور به تاراج بیگانگان می‌رود و سپس شرق ایران توسط انگلیسی‌ها از پییکره وطن جدا می‌شود و در زمانی کوتاه آنچه نام ایران بر آن می‌ماند تنها بخش کوچکی از تمام ایران آن زمان می‌شود. طبقه روشنفکران جدید در نقش عوامل بیگانگان قراردادهای ناگنین فراوانی بر کشور تحمیل می‌کنند و عدم توانایی و علم را پنهان خیات‌های گاه بیگانه خود قمر می‌دهند. ایران نیز راه انقلاب نوینی را پیش می‌گیرد و «مشروطه مشروعه»،ا پایه می‌گذارد لیکن باز روشنفکران غریزه میانداز شده و مشروطه را به راهی دیگر می‌برند ضعف قاجار ادامه پیدا می‌کند تا پس از جابه‌جایی چند شاه دوران افول ایران بیش از پیش، شدید شود. فضا به شکلی پیش می‌رود که همین طبقه روشنفکر مشروطه‌خواه دیکتاتوری «رضاخانی» را در ایران پایه می‌نهد و گویا این طبقه گرفتار نوعی تناقض ریشه‌ای و همیشگی است که در عین اعتقاد به مبانی فکری غربی به دیکتاتوری و شاهنشاهی نیز رضایت می‌دهد. رضاهای متوجه اوضاع ناسلمان نظامی کشور می‌شود و بعد از سرکوب شدید عشایر که مدافعان همیشگی استقلال و یکی از حلقه‌های دفاعی کشور بودند، تلاش می‌کند این عقب‌ماندگی را با همان رویکرد گذشته‌گان در ۳۰۰ سال گذشته جبران کند. وی با خرید از اروپا ارتش ایران را تقویت یک روز هم می‌کند، غافل از اینکه فناوری‌های وارداتی در جریان پیشرفت علمی کشورهای صاحب فناوری از قافله علم جا مانده و دور تسلسل تاریخی گذشته که بر ارتش ایران رفته، دوباره تکرار خواهد شد. همین ارتش رضاخانی که پایه‌های حکومت دیکتاتوری و شاهنشاهی پهلوی را مستحکم می‌کند پس از حمله متفقین در جنگ دوم جهانی به ایران حثتی یک روز هم توان مقابله با قوای متفقین را در خود نمی‌بیند و شالوده آن در کمتر از چند روز از هم پاشیده و کشور به دست انگلیس و شوروی می‌افتد. رضا شاه تبعید می‌شود و این‌بار روشنفکران غریزه فرزند او را به جایش می‌نشانند. «محمدرضا پهلوی» نیز با تکیه بر درآمد سرشار نفتی به همان سیاست معهود ادامه و به پایه‌ریزی نظام آموزشی متجدد، اعزام دانشجو به اروپا و آمریکا و واردات صنعتی و تسلیحاتی از غرب و شرق بویژه آمریکا می‌پردازد. ابرقدرت جدید (آمریکا) نقش ایران را به عنوان ژاندار منطقه تعریف می‌کند؛ یا به بیان بهتر ایران را استگری در برابر نفوذ کمونیسم و خاکریزی برای دفع حمله احتمالی

چرا دشمن به دنبال تضعیف توان دفاعی ایران است؟

برجام موشکی روّیایی واپسگرایانه

- احسان کرمی

شوروی قرار داده و ارتش ایران به آرامی به یکی از قوی‌ترین و گسترده‌ترین ارتش‌های همسو با غرب و اسرائیل در منطقه تبدیل می‌شود. پرواض است نیت آمریکا توسعه واقعی ایران نیست و هدف سد نفوذ نظامی گسترده شوروی در جنگ احتمالی است؛ نقشی که علاوه بر ایران، ترکیه و آلمان غربی را نیز در بر می‌گرفت اما مشکل تاریخی دفاعی ایران هنوز لاینحل مانده است چراکه تمام سیستم نظامی ایران که ظاهری مخوف و قوی دارد بدون مستشاران آمریکایی و غربی، موجودی ناقص است.انقلاب ایران فضای جدیدی را رقم می‌زند و این‌بار بسا رهبران، حضرت امام خمینی و روحانیت انقلابی، کشورهای غربی نمی‌توانند جریان انقلاب ایران را به مانند مشروطه منحرف کنند و استقلال ایران به‌واقعیتی انکارناپذیر تبدیل می‌شود.انقلابی با ماهیتی دینی، مستقل و ضداستعماری. آمریکا با خارج کردن نظامیان خود مدعی می‌شود ماشین نظامی ایران فلج شده و قادر به عمل مطلوب نیست. عراق یعنی برای حمله به ایران تحریک می‌شود و نیروهای نظامی ایران با تکیه بر توان داخلی، ماشین نظامی ایران را به حرکت در آورده و با مشتقت و سختی فراوان و با وجود تمام کاستی‌ها جنگی ۸ ساله را اداره می‌کنند لیکن به‌خوبی متوجه می‌شوند چنانچه توان داخلی و بومی در حوزه علم و فناوری و به تبع آن نظامی پیشرفت‌کنند.بیماری عقب‌ماندگی علمی دوباره عود کرده و چندان دور نیست که با ظهور انواع تهدیدات جهانی و منطقه‌ای کیان حاکمیت اسلامی از بین برود. تجربیات جنگ دستاوردی فراتر از حوزه سخت‌افزاری برای نظریه‌پردازان ایرانی به ارمان می‌آورد و این دستاورد چیزی غیر از نوعی خودآگاهی تاریخی و شناخت فضای جدید جهانی نیست.این نظر به‌پردازان به شناخت تهدیدات جاری و محتمل پیامرونی برداخته و متوجه می‌شوند شکاف فناوری موجود بسیار عمیق است. می‌توان ادعا کرد تنها حوزه ارگانیک ایران پس از انقلاب اسلامی که شاهد تدوین راهبردهای بومی بوده، حوزه نظامی و دفاعی در هر دو بخش است.فرازای و نرم‌افزاری است. در قالب دکترین دفاعی، سیستم دفاع امنفاران و جنگ نااهمتر از چیزی می‌شود.نیروهای نظامی ایران با آگاهی نسبت به ضعف‌های فناورانه بر نقاط ضعف دشمن و قوت خود تمرکز کرده و سپس به دنبال یافتن راه‌های میانبر برای غلبه بر دشمن و پوشاندن شکاف فناوری می‌روند. راپوردها نشان می‌دهد نتایج جنگ‌های نوین وابستگی شدیدی به قدرت هوایی دارد و نیروی هوایی به یکی از بخش‌های بسیار مهم نظامی تبدیل شده است اما دست یافتن به هوایپیمانه جنگنده روز، به هزینه‌های سرسام‌آور در بخش تحقیق و توسعه و ساخت محتاج و به فناوری بالای نیازمند است. نقش موثر نیروی هوایی انکارناپذیر است و تجربه تلخ زمین‌گیر شدن هواگردهای قدیمی ایران در اواخر جنگ ۸ ساله و سختی دفاع از کشور نیز مؤید همین امر است. در نهایت برای رفع تهدید دشمن تمرکز بر سر پیشرفت‌های پدافند هوایی زمین‌پایه، توسعه ارادری در طیف گسترده امواج رادیویی برای کشف تهدیدات، سیستم‌های نوین جنگ الکترونیک و شنود و همچنین توسعه انواع موشک‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد؛ توسعه هواگردهای شناسایی و نظامی بی‌سرنشین و عیون نسل آینده هواگردهای نظامی جهان آغاز می‌شود و سپس از ۳ دهه همه این تلاش‌ها را فرین پیشرفتی رو به جلو در خیره‌کننده می‌شود. در بخش نیروهای زمینی تمرکز هر چه بیشتر بر توپخانه و موشک‌های ضدزره قرار گرفته و در بخش دریایی نیز موشک‌های دریایی و شناورهای موشکانداز استخوان‌بندی دفاع دریایی کشور را شکل داده

و شناورهای ایرانی به چالشی جدی برای دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل می‌شود. اما هسته تمام این پیشرفت‌ها کلیدواژه فنی است که می‌توان ردپای آن را در تمام این حوزه‌ها دید: «صنایع موشکی». پیشرفت صنایع موشکی، به ایران ایسن امکان را داد که تا زمان ساخت جنگنده‌های بومی شکاف موجود را با موشک‌های دقیق «الستیک» و «گروز زمینی»، «دریایی»، «پدافندی»، «ضدزره» و «برتابگر ماهواره» بر کند. در واقع دست برتر ایران برای ایجاد توازن نظامی در منطقه همان صنایع موشکی است. دشمن در هر برآورد خود مجبور به تأمل بیشتر می‌شود چراکه تا هزاران کیلومتر فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران، آمریکا و بقیه دشمنان در تیرس موشک‌های ایرانی قرار داشته و موازنه وحشت علیه اسرائیل غاصب نیز امکان هر اقدام ماجراجویانه را سلب می‌کند. پس از حروفلص ظاهری مساله هسته‌ای در قالب «برجام» از طبقه جدید روشنفکری غریزه، این‌بار حلقه دیگری از نفوذ و نابودی بنیادی را در پیش گرفته و بر نقطه حساس «استقلال» و «تمامیت ارضی» کشور یعنی توانایی نظامی دست گذاشته است. امروز ایران در صنایع نظامی خود به چنان بلوغی رسیده که توانسته بدون تکیه بر کشورهای خارجی استقلال و تمامیت ارضی کشور را حفظ کند. هواکنون که ایران پس از چندصد سال تکاپو توانسته یکی از ضعف‌های تاریخی خود را جبران کند و فناوری نظامی را به شکل بومی توسعه‌دهد برای طبقه‌غریزده تناقضی وخیم است که درصد ناچیزی یا محدودیت آن برآید. امروز به جرأت می‌توان مدعی شد آنان که بحث برجام موشکی و دفاعی را مطرح می‌کنند آگاهانه یا ناآگاهانه در حال شکل دادن خیانتی دیگر علیه ایران اسلامی هستند. روح یک حاکمیت سیاسی توان نظامی آن است. اصولاًاگر کشوری مانند آمریکا دارای توان فناوری و نظامی نمی‌بود آیا امروز شاهد هژمونی و ابرقدرتی آن بودیم؟ به کار بردن واژگانی مانند «عصر گفترگوی تمدن‌ها»، «زمانه گفت‌وگو» و «مذاکره» و «پایان دوران جنگ» و «موشک»-و.اگر نگویم درونمایه‌های خیانت‌آمیز؛ لاقل حاکی از ساده‌لوحی بیش از اندازه و خیانتی ناخوشایته دارد. امروز باید پرسیداگر پشتوانه کشوری توان نظامی قوی و بومی آن نباشد با تکیه بر چه چیزی به میز مذاکره می‌نشینند و با چه ابزاری حقوق حقه ملت خود را باز می‌ستانند؟ آیا کشوری که فاقد شاخه‌های فناورانه و نظامی لازم است، جایی برای استقلال خود می‌تواند فرزند کند؟ و آیا قدرت در حوزه‌های «قتصادی»، «اجتماعی» و «فرهنگی» می‌تواند جبران‌کننده نقص قدرت نظامی باشد؟ به‌روشنی می‌توان جواب منفی داد.کمالتیکه‌نگاهی به کشورهای جهان نشان می‌دهد برترین کشورهای صاحب فناوری و صاحبان جایگاه‌های اقتصادی برتر دنیا در دستان آمریکا اسیر هستند؛ امروز «چاپن»، «آلمان» و «کره‌جنوبی» بی‌اجازه آمریکا با تمام توان فناورانه اجازه ساخت بسیاری از تجهیزات نظامی را ندارند و کوچک‌ترین زاویه سیاست آنها در آمریکا با سرکوب و انتقامجویی روبه‌رو می‌شود. اقتصاد عاری‌های کره‌جنوبی یکبار شاهد اخم و دشمنی آمریکا و پیش رفتن تا مرز نابودی بوده است و آلمان نیز با تمام قدرت اقتصادی و فناوری خود سیاستی ورای چشم‌انداز سیاست آمریکا ندارد. امروز ایران پیشرفتی رو به جلو در صنایع نظامی بومی خود بویژه در بخش موشکی داشته است و طرح مسألی چون مذاکرات موشکی و مانند آن در واقع تجسر و برگشت به عقبی واپسگرایانه و خیانت‌آلوداست.



دروغ بگویم؟» واولو به هر قیمتی خریداری کنید تا حقیقت مفاهیمی چون «برفروش‌ترین»، «عدالت»، «رات» و «پایین بودن سرانه مطالعه در کشور» را بهتر درک کنید.

«**دانشجوی دکتری‌ای مدیریت‌فرهنگی**

پی‌نوشت

موضوع این مقاله‌نه نقد کتاب است نه نقد سیاست‌های فرهنگی کشور. این نوشته تنها برای دفاع از حقوق نویسندگان و ناشرانی نگاشته‌شد که کتاب‌های‌شان به سبب قیمت‌های نجومی نشر، در انبارها خاک می‌خورد و اسیر آمارهای دروغ برخی متولیان امر شده‌اند.

تعبیر وارونه یک رویا

سعید حاجی‌پور؛ دکتر مسعود درخشان، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در سومین کنگره علوم انسانی اسلامی با ارائه نظریه «تعادل بخش عمومی در اقتصاد اسلامی: با رویکرد حاکمیتی» موفق به دریافت جایزه ویژه شد.ایشان اقتصاد اسلامی را مجموعه‌ای از سیاست‌ها و نظریات اقتصادی می‌داند که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مقوم نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و همین طور مقوم نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است.طبق این نظریه، نهادهای نظام جمهوری اسلامی مادامی که برآیند عملکردشان در جهت تقویت نظامی سیاسی مبتنی بسر ولایت فقیه باشد در مسیر درست گام برمی‌دارند. همچنین ممکن است پدیده‌ای در جزء-جزء آن احکام و مفاهیم اسلام جاری باشد اما در نگاه کلان و کلی برونداد آن خلاف مسیر اسلامی را طی کند.بعنوان مثال، نهادهای مالی و پولی اعم از بانک‌ها، بورس، بیمه‌ها-و تا زمانی که عملکردشان در راستای تقویت نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه باشد اطلاق پسوند اسلامی به آنان امکان‌پذیر است.از نتیجه‌یابکی از دیدگاه این نظریه به بانک اسلامی است که خروجی و برونداد آن به تقویت نظام سیاسی مستقر در جمهوری اسلامی ایران و مبتنی بر ولایت فقیه بینجامد حتی اگر در سطح خرد اسلامیزه شده باشد. بررسی و کنتکاش در نهادهای مالی و پولی در نظام جمهوری اسلامی نشان از عملکرد ضعیف و با تأثیرگذاری منفی این نهادها طبق این نظریه است.قانون بانکداری بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی عملاً توانسته است ظاهر و پوسته احکام اسلامی را در سیستم بانکی کشور جای دهد حال آنکه پس از ۳ دهه از اجرای این قانون، خروجی این سیستم در واقع خلاف حال اسلام را به نمایش می‌گذارد.شاهد مثالی این ادعا تذکرات مکرر مراجع اعظم و علماء، در پرونده بودن سیستم بانکی کشور است درحالی که در این سال‌ها هیچ گوش شنوایی برای این توصیه‌ها و تذکرات دلسوزانه وجود نداشته است. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند و اصلاح قوانین بانکی را ضروری و پراهمیت جلوه می‌کنند. پس از گذشت سال‌ها از اجرای قانون بانکداری بدون ربا تاکنون هیچ اصلاحی از سوی دولت‌ها برای اصلاح این قانون که قرار بود پس از ۵ سال اجرای آزمایشی مجدداً بازبینی شود، ارائه نشده است لذا طرح بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط جمعی از نمایندگان مجلس در بهمکاری مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در قم، تهیه می‌شود و جهت تسریع در روند بررسی، یک فوریت آن در ادیبهتصامح ۱۳۹۴ به تصویب مجلس می‌رسد. بعد از تصویب یک فوریت این طرح در مجلس، مسؤولان دولتی و بانک مرکزی وعده می‌دهند در صورت توقف روند بررسی این طرح در مجلس، دولت متعهد می‌شود ظرف یک ماه لویاج مرتبط را تکمیل و به مجلس تقدیم کند اما هیچ کدام از این وعده‌های عملی نمی‌شود و کارگروه بازنگری در قوانین بانکی مجلس، به ناچار خود وارد عمل می‌شود.لکن نمایندگان طرح خود را با مبنا قراردادن آخرین ویرایش لایحه بانکداری که در جلسات مشترک بانک مرکزی و وزارت اقتصاد در اسفندماه ۹۴، نهایی شده بود، تهیه می‌کنند به استفاده از کمی بیش از ۲۰ درصد مفاد این طرح مجلس عیناً طبق آخرین ویرایش لایحه بانکداری است و در تجربیات بانک مرکزی در تدوین این لایحه استفاده می‌شود. در مسیر بررسی این طرح از نظرات کارشناسان و نتایج پژوهش‌های انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در قم، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی و سایر متخصصان حوزه بانکداری استفاده می‌شود و نتیجه جلسات گسترده نقد و کارشناسی، تغییراتی در برخی فصول لایحه بانکداری دولت بویژه در فصول عملیات بانکی، شفافیت و پاسخگویی، نظارت و توقف،ورشکستگی و انحلال بانک‌هاست.همچنین کمیته‌تدوین‌کننده طرح در مجلس، جلسات متعدد کارشناسی را با مسؤولان بانک مرکزی، کارشناسان و صاحب نظران حوزه بانکی برقرار می‌کنند. محاصل این حجم از کار کارشناسی و استفاده از نظرات و پیشنهادت، تفاوت‌های عسده طرح نهایی با ویرایش اولیه آن است. در نهایت در جهت تسریع در روند تصویب این طرح، مجلس مصوب می‌کند تا بررسی و تصویب این طرح براساس سازوکار اصل ۸۵ قانون اساسی، در کمیسیون اقتصادی مجلس صورت گیرد. اما مخالف‌تهای دولت،بانک مرکزی و شبکه بانکی که به‌نظر می‌رسد از وضع موجود بیشترین سود را عاید می‌شوند مسیر بررسی و تصویب این طرح را با مشکل روبه‌رو می‌کند.همه رسانه‌های شدید در جهت شتابزده بودن و غیر کارشناسی بودن این طرح از یک سو و لابی‌های گسترده با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس از سوی دیگر منجر می‌شود جلسه کمیسیون با عدم حضور اعضا از حد نصاب خارج و بررسی این طرح از دستور کار خارج شود و این تلاش در جهت پاسخگویی به مطالبه مردمی و علما و در سالی مزین به شعار اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل در هزار توی لابی‌های مجلس مسکوت بماند و رویای زوده شدن ربا از نظام پولی کشور تعبیری وارونه به خود بگیرد.

«**کارشناس ارشد اقتصاد انرژی**